



تحلیل اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ از دیدگاه حقوق خصوصی

رضا امین پور^۱
علی محمودیان چالبان^۲
ام البنین درویش پوریان^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۳/۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۹/۱۵

چکیده

در این مقاله تلاش‌هایی در جهت معرفی اراده واقعی قانونگذار نسبت به مفاد ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ صورت گرفته است. در واقع هرچند قانونگذار به موجب ماده ۳۳۲ قانون مدنی در صورت اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب در یک واقعه، مسئولیت را متوجه مباشر می‌داند مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد و همین موضع را در ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ نیز اتخاذ نموده بوده است. اما با تصویب ماده ۵۲۶ قانون مجازات مصوب سال ۱۳۹۲ به ظاهر از این تصمیم سابق خود عدول کرده و راهکار جدیدی را ارائه نموده است. یعنی عاملی که جنایت مستند به او باشد را ضامن می‌داند و اگر جنایت مستند به کلیه عوامل باشد، تمامی آن‌ها را به طور مساوی مسئول می‌داند مگر اینکه میزان تأثیر رفتار هر یک از مرتکبین متفاوت بوده باشد که در این صورت هر کس به میزان تأثیر رفتار خود دارای مسئولیت است. مقاله حاضر با بهره‌مندی از روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای درصدد پاسخگویی به این سؤالات است که آیا تصویب ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به معنای نسخ ضمنی ماده ۳۳۲ قانون مدنی می‌باشد؟ آیا باید ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ را مرجع حل اختلاف و تعیین تکلیف وضعیت اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب دانست و یا اینکه باید قائل به تفکیک بود؟

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، علوم تحقیقات تهران - مربی گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول):

Ali.mahmoudian66@gmail.com

^۳ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، اصفهان ایران.

کلید واژه‌ها

قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، قانون مدنی، اجتماع مباشر و مسبب، جنایت، حادثه، خسارت.

مقدمه

مسئله اجتماع سبب و مباشر یکی از مباحث مطرح از مباحث فقه و از مطالب مطروحه در قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی ایران است، در حقوق سایر کشورها نیز مسئله اجتماع سبب و مباشر تحت عنوان سبب نزدیک^۱ و سبب بعید^۲ مطرح گردیده و به‌ویژه در حقوق کشورهای انگلیس و آمریکا از مسئولیت عامل نزدیک دفاع به عمل آمده است (Black, 1983, 114). بنا به تعریف فقها سبب عبارت از هر فعلی است که تلف به‌واسطه آن حاصل می‌شود مانند حفر چاه و ضابطه آن این است که اگر سبب وجود نداشت تلف حاصل نمی‌شد و در این معنا، سبب در مقابل مباشر یا عامل مستقیم ورود خسارت قرار می‌گیرد (محقق حلی، ۱۴۱۳: ۴۶۲؛ خمینی، بی تا: ۵۶۴).

وقتی صدمه یا خسارت، ممکن است از تأثیر یک فعل، یا افعال متعدد ناشی شود. هرگاه حدوث زیان، نتیجه فعل واحد بوده، جز یک عامل، در وقوع آن مداخلیت نداشته باشد، اسناد نتیجه به آن، معمولاً فاقد پیچیدگی و اختلاف نظر است. زیرا در این موارد، با تکیه بر نظر کارشناس، پس از احراز صلاحیت فعل ارتكابی، در ایجاد نتایجی مانند زیان حاصل، واقعیت رابطه مادی بین آن دو، ارزیابی و براساس آن، قضاوت می‌شود. گاه در ایجاد صدمه یا خسارت افعال متعددی دخالت می‌کنند، که این افعال ممکن است از عامل یا عوامل متعدد صادر شده باشد. در این صورت چنانچه به دنبال افعال متعدد، نتایج مختلف واقع شود، رابطه هر یک از نتایج، با هر یک از افعال، به طور مستقل و در صورت لزوم با تکیه بر نظر کارشناس تعیین شده و مانند فرض سابق، عامل آن نسبت به نتیجه حاصل از فعل ارتكابی، به عنوان ضامن، معرفی می‌گردد. لکن اگر در پی دخالت افعال متعدد تنها یک نتیجه حاصل شده باشد در اینکه صدمه یا خسارت باید به کدام فعل یا افعال نسبت داد، اختلاف شده است (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۰۰). در

^۱. Direct Cause.

^۲. Remote Cause.

تألیفات فقهی، به منظور تشخیص عامل ضامن در این فرض، به درستی، با تفکیک صورت‌های اجتماع افعال، موارد اجتماع عرضی عوامل از اجتماع طولی آن‌ها جدا شده است.^۱

به عبارتی دیگر، با تجزیه و تحلیل کلیه حوادثی که در عالم خارج به وقوع می‌پیوندد این مهم مسجل می‌گردد که همیشه این‌گونه نیست که دلیل و منشاء انحصاری حوادث رخدادی منتسب به شخص مباشر حادثه باشد، بلکه می‌توان ردپایی از یک شخص مسبب نیز پیدا نمود. در واقع علت نهایی در تولد قسمت عمده‌ای از حوادث را نمی‌توان تنها در عامل انحصاری شخص مباشر دانست، چرا که نقش شخص مسبب در وقوع بعضی از حوادث غیرقابل‌انکار می‌باشد. به جرات می‌توان این ادعا را مطرح نمود که بخش عظیمی از حوادثی که تحقق پیدا می‌کند ریشه در اجتماع اراده مباشر و مسبب داشته که با تعاون یکدیگر مولد یک رویداد بوده و نقشی را از خود بجای می‌گذارند. خوشبختانه اهمیت تأثیرگذاری اجتماع مباشر و مسبب در وقوع حوادث از چشم قانونگذار کشور ما مستور نمانده است و در قوانین مختلف نسبت به این مهم عنایت داشته و اقدام به تعیین تکلیف احکام و حقوقی آن نموده است.

اما متأسفانه اخیراً با وضع قانون‌های به ظاهر متعارض و متضاد نسبت به این موضوع، موجب ایجاد تشدد و تشویش در احکام و آثار این وضعیت حقوقی گردیده است که همین مسامحه قانونگذار منجر به این نتیجه شده است که، هر یک از نظریه‌پردازان در مقام تفسیر و تجمیع مواد قانونی مرتبط، گامی در جهت حل این معضل بردارند. که النهایه نه تنها حل مشکلی صورت نگرفته است بلکه ابهامات و سردرگمی‌های مضاعفی را برای حقوقدانان و حقوق‌خوانان به وجود آورده است.

این مقاله به منظور شفاف‌سازی هرچه بیشتر این موضوع حقوقی و نیز تشریح کامل و دقیق دیدگاه و تصمیمات قانونگذار با توجه به ظرفیت‌های قانونی موجود در صدد تبیین و تحلیل وضعیت اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب در فقه امامیه و قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی سابق (مصوب سال ۱۳۷۰) و قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و ارزیابی وضعیت اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب جهت ارائه راه‌حل مناسب برای مشکل موجود بر آمده است.

۱- تبیین وضعیت اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب

^۱. در این باره برای مطالعه بیشتر رجوع شود. صادقی، محمد هادی. (۱۳۷۸). جرائم علیه اشخاص، نشر میزان، چاپ دوم، صفحه ۸۶ به بعد.

هر زمان که علت وقوع حادثه‌ای تنها منحصر به عامل شخص مباشر باشد، تصمیم‌گیری و تعیین تکلیف نمودن نسبت به وضعیت به وجود آمده، آثار و عواقب آن امری نسبتاً ساده بوده و با سرعت صورت می‌گیرد. اما در مواردیکه تحقق یک حادثه‌ای به جهت اجتماع نقش مباشر و مسبب باشد، قانونگذار با حساسیت توجه بیشتری نسبت به این موضوع تصمیم‌گیری کرده و حکم نهایی را با نهایت دقت صادر می‌کند. در واقع هر زمانیکه رویدادی به وقوع می‌پیوندد و بازیگران آن نیز شخص مباشر و مسبب بوده که با اجتماع یکدیگر توانسته‌اند ایفای نقش کنند، تصمیم‌گیری نسبت به وضعیت و مسئولیت هر یک از این دو عامل بسته به موضوع، شرایط و چگونگی رویداد رخ داده تغییر می‌کند. قانونگذار اخیراً از این قاعده پیروی کرده و در قانون‌های متفاوت، بنابه تنوع وضعیت تصمیم‌گیری‌های متفاوتی را نسبت به این مهم اتخاذ نموده است. حال به منظور کشف و بررسی دیدگاه و تصمیمات همه‌جانبه و نهایی قانونگذار در نظام حقوقی موجود نسبت به این موضوع، ابتدا وضعیت اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب در فقه امامیه و قانون مدنی سپس وضعیت اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب در قانون مجازات اسلامی سابق (۱۳۷۰) مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۱-۱- اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب در فقه امامیه و قانون مدنی قانون مدنی

در مورد اجتماع سبب و مباشر با توجه به منابع فقهی و قانون مدنی سه حالت قابل تحلیل و بررسی است. لذا در ادامه سه حالت به طور مجزا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۱-۱-۱- قاعده کلی در اجتماع سبب و مباشر

در منابع فقهی، قاعده اصلی در مورد دخالت سبب و مباشر در ورود خسارت و به عبارت دیگر اجتماع سبب و مباشر این است که مسئولیت با مباشر است (محقق حلی، ۱۹۸۴: ۲۵۷؛ نجفی، ۱۳۷۴: ج ۳۷: ۵۴؛ خمینی، بی تا: ۵۶۹). بر این اساس اگر کسی چاهی حفر کند و دیگری شخص ثالثی را در چاه اندازد مباشر یعنی کسی که ثالث را در چاه انداخته مسئول است و در این مورد ادعای اجماع مطرح گردیده و از مسلمات دانسته شده است. در توجیه مسئولیت مباشر گفته شده است: «عقلاً و نقلاً اسناد فعل به علت نزدیک و نه علت بعیدی که سبب است، معلوم و آشکار است و شکی نیست که مباشر نزدیک تر از سبب است بلکه سبب در واقع از وسایل مباشر، در مباشرت است» (نجفی، ۱۳۷۴، ج ۳۷: ۵۴).

ماده ۳۳۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف آن مال بشود مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه سبب اقوی باشد بنحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد».

قسمت اول ماده ۳۳۲ قانون مدنی قاعده کلی در مورد اجتماع سبب و مباشر را بیان نموده است. به عبارت یکی از علمای حقوق «غلبه در اجتماع مسبب و مباشر در ایراد ضرر این است که مباشر اقوی است و معنی اقوی بودن این است که اضرار به او منتسب است نه به سبب» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹: ۳۵۸). در واقع از نگاه قانون مدنی هرگاه در وقوع یک حادثه‌ای هر دو عامل مباشر و مسبب نقش داشته و تأثیرگذار بوده باشد باید در ابتدای امر مباشر را مسئول این رویداد به حساب آورد؛ چرا که مباشر علت حادثه به حساب می‌آید درحالی‌که مسبب شرط تأثیرگذاری حادثه می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۶۶).

مسئول دانستن مباشر به عنوان اصل و قاعده در بحث اجتماع سبب و مباشر به این دلیل است که مباشر علت نزدیک و بی‌واسطه در ورود خسارت است و تا قبل از دخالت مباشر همه چیز در حالت طبیعی و عادی خود قرار دارد و زیانی وارد نشده است، اما مباشر به عنوان آخرین علت و به عبارت دیگر علت نزدیک، زیان‌ها را وارد می‌نماید، پس مسئولیت نیز به عهده او مستقر می‌گردد. به علاوه با پذیرش مسئولیت مباشر، اتخاذ تصمیم برای دادرس نیز به سهولت انجام می‌پذیرد زیرا او به راحتی از میان تمامی اسباب آخرین آن‌ها را به عنوان عامل مسئول بر می‌گزیند. این استدلال اغلب با واقعیت نیز منطبق است زیرا به طور معمول آخرین سبب تأثیر بیشتری به سبب مقدم دارد و تا قبل از وقوع آن هیچ حادثه زیانباری رخ نمی‌دهد و اجتناب از وقوع ضرر امکان‌پذیر می‌باشد.

۱-۲- اقوا بودن سبب از مباشر

در فرضی که سبب قوی‌تر از مباشر باشد و نقش آن در ورود خسارت بیشتر باشد مسئولیت با سبب اقوی است و فقها در این مورد اتفاق دارند (نجفی، ۱۳۷۴، ج ۳۷: ۵۶؛ محقق حلی، ۱۴۱۳: ۲۵۷؛ خمینی، بی‌تا: ۵۶۹) بر این اساس اگر مباشر به حال سبب جاهل باشد سبب ضامن است (العاملی، ۱۴۱۹: ۳۸۰). پس در فرض قوی بودن سبب، ذمه سبب به ضامن مشغول می‌شود و مباشر شریک در ضامن نمی‌باشد مانند حالتی که شخص مباشر تحت غرور یا اکراه قرار گیرد (العاملی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۸۹؛ نجفی، ۱۳۷۴، ج ۳۷: ۵۷).

با توجه به قسمت اخیر ماده ۳۳۲ قانون مدنی در موردی که سبب اقوی از مباشر باشد به - نحوی که عرفاً مستند به آن باشد مسئولیت با سبب است و مباشر مسئولیتی نخواهد داشت. چنانچه اگر شهردار برخلاف قانون به مأموران خود دستور دهد که بنایی را خراب کنند و مأموران نیز بنا را خراب کنند و یا اینکه کسی مالی را به تصرف صغیر غیرممیز یا مجنون دهد در این صورت شهردار و نیز دهنده مال مسئول است (امامی، ۱۳۹۴: ۳۹۵). چرا که نقش آن‌ها در ورود خسارت به عنوان سبب و عامل غیرمستقیم ورود خسارت بیشتر از مباشر (محجور و مأمور) است. به همین نحو هرگاه مباشر در اثر اکراه دیگری مال را تلف کند یا در حال خواب مرتکب تلف شود چون مباشرت ضعیف تر از سبب است باید مسبب را ضامن شناخت (کاتوزیان، ۱۳۶۲: ۸۵).

به عبارت دقیق تر در صورتیکه حادثه‌ای در نتیجه همکاری مسبب و مباشر صورت گیرد، یعنی شخصی سبب تلف و دیگری مباشر آن باشد، مباشر را باید مسئول به حساب آورد زیرا، رابطه علیت بین اقدام مباشر و تلف مال قوی‌تر بوده و ارتباط مستقیم با آن دارد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۵۱). در واقع از آنجایی که اقدام شخص مباشر نقش موثرتری در ورود زیان دارد، باید مباشر را اولین مسئول حادثه به حساب آورد اما اگر در حالت ویژه‌ای عرف دخالت مسبب را موثرتر بداند و او را سبب اقوی بشناسد در اینجا مسئولیت به عهده مسبب می‌باشد.

۱-۱-۱- تساوی نقش سبب و مباشر

همانطور که مطرح شد قاعده در مورد اجتماع سبب و مباشر، تقدیم مباشر بر سبب و تنها فرضی که از این قاعده مستثنی گردیده، قوی تر بودن سبب از مباشر است. بنا به قول فقها در فرض اجتماع سبب و مباشر هنگامی که مباشر قوی تر است و یا هر دو مساوی هستند مباشر ضامن است (نجفی، ۱۳۷۴، ج ۴۲: ۱۴۵؛ خمینی، بی تا: ۵۹۶). ظاهراً این نظر بر اجماع فقها متکی گردیده است. این در حالی است که اگر دو یا چند نفر به عنوان سبب در قرار دادن سنگ در کنار چاهی اشتراک داشته باشند و عابری در داخل چاه افتد به اعتقاد فقها ضامن بر عهده هر دو نهاده شده و ظاهر در تساوی آن‌هاست. اگر چه کاری که انجام داده‌اند مختلف باشد (خمینی، بی تا: ۵۶۹) به عبارت دیگر در مورد نقش اسباب متعدد حکم مسئولیت هر دو پذیرفته شده است. لکن در فرض نقش برابر سبب و مباشر مسئولیت به عهده مباشر نهاده شده است (عالم زاده، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

برخی از فقها نیز در صورت برابر بودن درجه تأثیر سبب و مباشر، شرکت آن دو در ضمان را ترجیح داده‌اند (محقق داماد، ۱۳۶۳: ۱۲۵ - ۱۲۴). و برخی دیگر نیز حکم موضوع را به داوری عرف واگذار کرده‌اند (میرفتاح، ۱۴۱۷: ۲۹۱).

ماده ۳۳۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف آن مال بشود مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه سبب اقوی باشد بنحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد». از ظاهر ماده مذکور این گونه بر می‌آید که بنا به قاعده مندرج در قسمت اول ماده اصل بر مسئولیت مباشر است و تنها فرضی که از این قاعده مستثنی گردید، بنا به قسمت اخیر ماده، فرض بر قوی تر بودن سبب از مباشر است. بنابراین در فرض تساوی نقش سبب از مباشر نیز باید به اصل و قاعده که مسئولیت مباشر است مراجعه کرد.

برخی از علمای حقوق ایران نیز در تحلیل موضوع اظهار داشته‌اند: «غلبه در اجتماع مسبب و مباشر در ایراد ضرر این است که مباشر اقوی است و معنی اقوی بودن این است که اضرار به او منتسب است نه به سبب. هر حکم قانونی که متکی بر غلبه باشد اماره است و اصل در امارات قانونی هم نسبی بودن است. پس مدلول ماده ۳۳۲ قانون مدنی مانع از این نمی‌شود که اگر انتساب به هر دو عرفاً صحیح باشد هر دو متضامناً در برابر متضرر از اتلاف مسئول باشند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹: ۲۵۸).

به اعتقاد برخی دیگر از حقوقدانان نیز منطبق حقوقی ایجاب می‌نماید که در این فرض به ویژه در جایی که هر دو قصد اتلاف دارند و اجرای آن را تقسیم کرده‌اند هر دو مسئول شمرده شوند زیرا مجموع سبب و مباشرت خسارت را به بار آورده است (کاتوزیان، ۱۳۶۲: ۱۳۷).

اما برخی در مورد نحوه مسئولیت سبب و مباشر، عده‌ای مسئولیت تضامنی آن‌ها را پذیرفته‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹: ۲۵۷). لکن برخی دیگر از اساتید حقوق، مسئولیت مساوی سبب و مباشر را ترجیح داده‌اند (امامی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۳۹۵).

به نظر می‌رسد که استناد به ظاهر ماده ۳۲۲ قانون مدنی برای مسئول دانستن مباشر در فرض تساوی نقش سبب و مباشر منطقی نباشد چرا که از قسمت اخیر ماده ۳۲۲ که مقرر می‌دارد: «مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که اتلاف مستند به فعل او باشد» این گونه استنباط می‌گردد که معیار مسئولیت، انتساب و مستند بودن اتلاف به فعل فرد است و در فرض مورد بحث نیز اتلاف منتسب به فعل سبب و مباشر توأمان است. در حقوق لبنان نیز بنا به نظر برخی از حقوقدانان اگر سبب و مباشر در تأثیر تعادل و برابر باشند هر دو در مسئولیت شریک هستند (محمصانی، ۱۳۵۸، ج ۱: ۲۷۹).

۱-۲- اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب در قانون مجازات اسلامی سابق (مصوب سال ۱۳۷۰)
ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ مقرر می‌داشت: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است مگر اینکه سبب، اقوی از مباشر باشد». این ماده که در تبعیت از رأی مشهور فقیهان اسلامی تصویب شده است متکی بر مبانی نظری و روایی مستحکم بوده، از پشتوانه استدلال عقلی نیز، برخوردار است (ابن البراج، ۱۴۰۶، ج ۲: ۴۸۷؛ علامه حلی، بی تا، ج ۲: ۳۷۴؛ ابن العلامه، ۱۳۸۹، ج ۴: ۵۶۱؛ شهید اول، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۱۲).

با استقراء در مواد متعدد قانون مجازات اسلامی سابق (۱۳۷۰) و نیز با استناد به مواد ۳۵۳ و ۳۶۳ این قانون، این مهم هویدا می‌گردد که قانونگذار در این قانون نیز به مانند قانون مدنی در صورت تجمع مباشر و مسبب در وقوع یک حادثه، مباشر واقعه را مسئول به حساب آورده و مسئولیت را متوجه او می‌دانسته است مگر آنکه عرفاً مسبب نقشی اقوی از مباشر داشته باشد که در این صورت به طور قطع مسبب دارای مسئولیت بوده است (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۷۳). مانند حالتی که مباشر جاهل به موضوع و یا حکم باشد و یا اینکه مباشر موجودی جامد باشد (مواد ۳۵۳، ۳۵۴ و ۳۵۵ قانون مجازات اسلامی سابق) و یا شخصی صغیر، مجنون و یا تحت اکره باشد (ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی سابق). که در تمامی این موارد از آنجایی که مباشر در حکم وسیله‌ای بوده که تحت اختیار شخص مسبب قرار دارد، لذا باید شخص مسبب را در حکم مباشر به حساب آورد و نتیجتاً مسئولیت را متوجه او دانست (خوانساری، ۱۳۸۸، ج ۵: ۲۰۴).

همچنین در ماده ۶۹ قانون دیات سابق مصوب ۱۳۶۱ نیز به این موضوع تصریح شده بوده است که در صورتیکه تأثیر سبب و مباشر برابر باشد، تنها مباشر است که مسئول و ضامن به حساب می‌آید. در واقع هرگاه نحوه دخالت مباشر و مسبب نیز در نظر عرف یکسان باشد، باید تنها شخص مباشر را مسئول به حساب آورد (نظر مخالف، امامی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۳۹۶). در نتیجه، قانونگذار در قانون مجازات اسلامی سابق از دیدگاه و نگرشی که در قانون مدنی آورده است استفاده کرده و آن را مجدداً مورد حمایت قرار داده بوده است و در صورت تجمع مباشر و مسبب در وقوع جنایتی، مسئولیت جنایت را در ابتدای امر متوجه شخص مباشر می‌دانسته و تنها مسبب را در صورتیکه اقوی از مباشر باشد مسئول جنایت رخ داده به حساب می‌آورده است (گلدوزیان، ۱۳۸۷: ۲۹۱؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۱۹).

۲- ساماندهی وضعیت اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب

تا زمانیکه قانونگذار کشور ما از دیدگاه خود نسبت به وضعیت اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب در کلیه قوانین به صورت برابر و یکسان حمایت می‌کرد و با احکامی همسو و هم جهت در مورد آن اتخاذ تصمیم می‌نمود، حقوقدانان و رویه قضایی به طور مدقن و با طیب خاطر نسبت به این وضعیت حقوقی تصمیم‌گیری کرده، مسائل و پیامدهای حقوقی پیرامون آن را بدون باقی گذاشتن هیچ ابهام و اجمالی تبیین و تشریح می‌نمودند.

اما مشکل اساسی از آن لحظه آغاز شد که قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به یک باره از این اعتقاد خود دست کشیده و یک طرح جدیدی در این باب انتخاب و ارائه نمود. در واقع هرچند که در عالم علم حقوق اصل بر حکیم بودن قانونگذار می‌باشد و این‌گونه انتظاری نیز از این مقام می‌رود، اما قانونگذار برخلاف این اصل و انتظار عمل کرده، در آخرین و جدیدترین اراده اعلامی خود پشت پای بزرگی به دیدگاه و نگرش قانونی سابق خود می‌زند و نظام حقوقی دقیق و شفاف خود را آلوده تشویش و ابهام می‌سازد این اقدام مقنن منجر به این فاجعه شده است که هر زمان موضوع اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب مطرح می‌گردد، حقوقدانان با اجمال و ابهام دیدگاه قانونگذار روبرو شده و نمی‌توانند تصمیم دقیق و قاطعی گرفته و راه‌حل تأثیرگذاری را ارائه دهد. حال به منظور تطهیر موضع اتخاذی قانونگذار و ارائه نظریه جامع نسبت به حل این وضعیت حقوقی ابتدا به تشریح اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پرداخته و سپس در گام بعدی به ارزیابی وضعیت اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب اقدام شده است.

۲-۱- اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ مقرر می‌داشت: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است مگر اینکه سبب، اقوی از مباشر باشد». قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ با تجدیدنظر در قاعده مذکور، درباره چگونگی استناد جنایت، به عواملی که به صورت سبب و مباشر، اجتماع کرده‌اند، به شرح ماده ۵۲۶ آورده است:

«هرگاه دو یا چند عامل برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب، در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند؛ مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این

صورت، هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول اند. در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد، فقط سبب، ضامن است.»
قانونگذار حکم اجتماع سبب و مباشر را در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی بیان کرده است. در اجتماع سبب و مباشر به طور طبیعی همواره فعل مسبب مقدم بر مباشر اثر می‌گذارد. بنابراین فرض اجتماع آنها به صورت عرضی غالباً مطرح نمی‌شود. اگر موارد نادری نیز به صورت اجتماع عرضی سبب و مباشر متصور باشد، تابع ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی است و سبب مقدم در تأثیر در این فرض مجرا نیست. در تبیین ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی باید حالت - های مرتکبان را معین کرد. طبق ماده مزبور دو حالت در صورت اجتماع سبب و مباشر در جنایت واحد قابل تصور است: حالت اول استناد جنایت به سبب یا مباشر و حالت دوم استناد جنایت به هر دو (سبب و مباشر).

۱) استناد جنایت به سبب یا مباشر

منظور قسمت نخست ماده مذکور (استناد جنایت به سبب و مباشر) آن است که در هر موردی که سبب یا مباشر اقوی باشد، جنایت مستند به اوست. قانون مجازات اسلامی معیار دقیقی برای اقوی بودن سبب از مباشر یا مباشر از سبب ارائه نداده و صرفاً در انتهای ماده به مواردی چون صغیر، مجنون، جاهل یا بی اختیار بودن مباشر اشاره کرده است. درحالی که در فقه امامیه طبق قاعده، مباشر بر مسبب مقدم است و تنها در فرض‌های چون جهل یا صغر یا بی اختیار بودن مباشر، رأی به ضمان سبب داده شده است (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۳۸۰؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۱۴۵؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳، ج ۳: ۲۶۵ - ۲۶۰).

برخی از حقوقدانان در این خصوص داوری عرف را مؤثر دانسته و تشخیص موضوع را به عرف احاله کرده‌اند (میر محمدصادقی، ۱۳۹۲: ۵۴). با وجود این، از آنجا که ممکن است داوری عرف چندان دقیق و روشن نباشد و احراز رابطه انتساب را برای قاضی با دشواری‌های روبه‌رو سازد و باتوجه به اینکه ماده ۳۳۲ قانون مدنی که در حالت اجتماع سبب و مباشر، مباشر را مسئول می‌داند، مگر در مواردی که سبب اقوی باشد، به طور صریح نسخ نشده و مبتنی بر نظر اجماعی فقهای امامیه است، می‌توان از آن به‌عنوان اماره‌ای برای احراز انتساب جنایت یا خسارت به مباشر استفاده کرد، مگر آنکه انتساب جنایت به سبب محرز باشد که در این صورت اماره مذکور مبنای خود را از دست می‌دهد و حکم ماده ۵۲۳ اجرا می‌شود. افزون بر آن، به نظر می‌رسد اگر مباشر در جنایت باتوجه به همه جوانب، متعارف باشد (عاقل، بالغ، مختار و آگاه

باشد) و سبب نقش آمریت و اقتدار بر مباشر (فاعل معنوی) را داشته باشد، جنایت به حساب مباشر گذاشته شده و مسبب ممکن است با رعایت شرایطی معاون جرم محسوب گردد. تبصره ۱ ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی در راستای همین قاعده است: «در موارد مزبور، هرگاه مریض یا پرستار بداند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می شود و با وجود این به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است.» تبصره مذکور معیار و مصداق دیگری از اقوی بودن مباشر در عملیات پزشکی به دست می دهد و به نوعی مسئولیت را از دوش پزشک به رغم مقصر بودن یا تشخیص نادرست در درمان، بر می دارد؛ صرفاً به این دلیل که مریض یا پرستار می داند که دستور پزشک اشتباه است. ظاهراً فرض ماده ناظر به علم قطعی مریض یا پرستار به اشتباه بودن دستور است و علم اجمالی موجب خروج پزشک از مجازات نمی شود. مفهوم مخالف این حکم در حالتی است که پزشک آگاه و پرستار یا بیمار جاهل باشد که در این صورت پزشک (سبب) با توجه به صدر ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی ضامن است. وانگهی، در صورتی که پزشک و پرستار هر دو با علم و عمد و به قصد جنایت اقدام کرده باشند، پرستار مباشر و پزشک معاون در جنایت محسوب می شود، زیرا مداخله سبب ملموس نبوده و حکم آمریت (فاعل معنوی) را پیدا کرده است. رویه قضایی نیز اجتماع سبب و مباشر، ضمان را در صورتی متوجه سبب می نماید که پای یک مباشر عاقل و بالاراده در میان نباشد (بازیگر، ۱۳۷۶: ۲۱۶؛ رستمی، شعبانی کندسری، ۱۳۹۵: ۱۴۶؛ ساولانی، ۱۳۹۵: ۲۰۱؛ صادقی، ۱۳۹۲: ۳۵) در تأیید این نظر در فقه رجوع کنید: محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۲۴۰).

ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی نیز مصداق دیگری از سبب اقوی است، طبق ماده مزبور: «هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیر عمدی مسئول است.» البته این ماده با توجه به قسمت اخیر ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی که بی اختیار شدن مباشر را موجب مسئولیت سبب دانسته، زائد و ضرورتی به آن نبوده است.

۲) استناد جنایت به مباشر و سبب

در مورد این حالت نیز در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی، ضابطه روشنی وجود ندارد. به نظر می رسد در این شرایط، چنانچه جنایت مستند به هر دو عامل باشد، هر دو شریک محسوب

شده و براساس قواعد شرکت به قصاص یا دیه یا تعزیر محکوم می‌شوند؛ بنابراین، قانونگذار با حکم مزبور به اختلاف نظر فقها در خصوص انتساب خسارت در این فرض تنها به مباشر (خمینی، بی تا: ۱۵۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۱۴۵) پایان داده و نظر آن‌هایی را که به شرکت در ضمان معتقد بودند، پذیرفته است. اگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد، درجه و اندازه تأثیر صرفاً بر مسئولیت مرتکب در پرداخت دیه تأثیر می‌گذارد و در قصاص و تعزیر مسئولیت کامل است. در واقع، دیه درصوبندی می‌شود نه قصاص یا تعزیر. پس قسمت دوم ماده که سخن از تعیین مسئولیت به اعتبار درجه تأثیر می‌گوید، ناظر به جنایت غیرعمد است که مجازات دیه دارد؛ مانند آنکه کسی در اثر تصادف (تسبیب) مصدوم شده و پزشک معالج هم حین عمل جراحی (مباشرت) صدمه مضاعفی ایجاد کند و سرانجام به علت تأثیر هر دو عمل، مجنی‌علیه فوت نماید که در این حالت، چنانچه درصد تأثیر متفاوت باشد، دیه به نسبت درصد تأثیر تعیین می‌شود؛ اما اگر مداخله سبب و مباشر عمدی بوده و سبب نه نقش آمریت و اقتدار، بلکه حکم تسبیب در جنایت را به شکل ملموس ایفاء کند، مانند اینکه فردی سگی را به سمت دیگری برانگیزد و یا غذایی را به سم آلوده نماید و سپس مباشر عمداً جراحی بر مجنی‌علیه وارد سازد و در اثر تأثیر هر دو عامل قتل واقع شود، مقررات شرکت در جنایت عمدی اعمال می‌شود و در این حالت، تفاوتی میان اندازه تأثیر رفتار مرتکبان وجود نداشته و مجازات یکسان است.

قانونگذار، در آخرین اقدام خود در مورد اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب قائل به این نظر شده است که، عاملی مسئول می‌باشد که جنایت مستند به او باشد و در صورتیکه جنایت مستند به تمام عوامل باشد، هر عامل به مقدار تأثیرگذاری خود دارای مسئولیت است. در واقع در این حالت بدون اینکه نیازی به تشخیص و تفکیک مباشر از مسبب باشیم، تنها معیار تحدید و تعیین مسئولیت، مستند بودن جنایت به شخص بوده و تنها کسی مسئول می‌باشد که تحقق جنایت مستند به او باشد. به عبارت دیگر قانونگذار بدون اینکه به جنبه انفعالی جنایت توجه‌ای کند تنها انتساب جنایت به عامل مقصر و مرتبط را معیار تحقق مسئولیت دانسته و هرکس اعم از مباشر و یا مسبب، که جنایت ملحق به او باشد به میزان تأثیرگذاری اقدام او مسئول و ضامن می‌داند.

به معنای دقیق‌تر، برای تحقق ضمان، مباشر و یا مسبب بودن موضوعیت نداشته و تشخیص و تعیین مباشر از مسبب در مسئولیت شخص، هیچ‌گونه تأثیری ندارد. بلکه برای تعیین شخص ضامن و مسئول باید اولاً محرز گردد که جدای از مباشر و یا مسبب بودن، جنایت مستند به

چه عاملی بوده و ثانیاً اگر مستند به تمامی عوامل باشد هر عامل به میزان تأثیر رفتارش دارای مسئولیت و ضامن می‌باشد.

در صورتیکه قانونگذار در ماده ۳۳۲ قانون مدنی مستقیماً و بدون توجه به چگونگی تحقق حادثه، میزان دخالت عوامل حادثه و عاملی که حادثه منسوب به اوست تنها شخص مباشر را مسئول حادثه می‌داند و برای او مسئولیت قائل شده است. حال سؤالی که مطرح می‌گردد آن است که آیا این تصمیم قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به معنای منسوخ شدن قاعده موجود در ماده ۳۳۲ قانون مدنی بوده و از این لحظه به بعد ماده مذکور از حیز انتفاع خارج می‌باشد و یا اینکه می‌توان این تعارض ظاهر را برطرف نموده و این دو قاعده موجود را با یکدیگر جمع کرد و هر کدام را اختصاص به موضوع متفاوتی قرار داد. در واقع آنچه که نیاز به امعان نظر و تحلیل دقیق حقوقی دارد آن است که بتوانیم تفسیر و تعبیری که انطباق کامل با اراده قانونگذار داشته باشد را از این دو مواد قانونی استخراج نمود.

۲-۲- ارزیابی وضعیت اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب

همان گونه که انتظار آن می‌رفت حقوقدانان و نظریه پردازان در مقام تفسیر مواد قانونی مربوط و نیز شفاف سازی تعارضات و ابهامات قانونی موجود از طریق تفسیرهای متعدد راهکارهای متفاوتی را ارائه نموده‌اند:

(۱) ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ مقرر می‌داشت: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است مگر اینکه سبب، اقوی از مباشر باشد».

قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ با تجدیدنظر در قاعده مذکور، درباره چگونگی استناد جنایت، به عواملی که به صورت سبب و مباشر، اجتماع کرده‌اند، به شرح ماده ۵۲۶ آورده است: «هرگاه دو یا چند عامل برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب، در وقوع جنایت تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند؛ مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت، هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول‌اند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد، فقط سبب، ضامن است».

اگرچه حکم این ماده، مانند آنچه در ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ آمده است، به جنایت منحصر شده است (صادق، ۱۳۹۲: ۱۰۳؛ رستمی، شعبانی کندسری، ۱۳۹۵: ۱۴۷) اما از آنجا که جنایت فاقد خصوصیتی است که قواعد ناظر به تشخیص رابطه استناد منصرف از غیر

آن باشد، ضوابط تعیین عامل ضامن بر همه جرائم مقید به نتیجه و کلیه خسارات‌ها و زیان‌های حاصل از دخالت عوامل مختلف در حقوق جزا و حقوق مدنی، حاکم است چنانکه تأکید بر وحدت ملاک، در احراز رابطه استناد، در بسیاری از مواد قانون مجازات اسلامی نیز، منعکس بوده، قانونگذار هیچ تفاوتی بین جنایت، صدمه یا خسارت قائل نشده است.^۱

۲) برخی از حقوقدانان قائل به این نظر می‌باشند که ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ هیچ‌گونه تعارض و تناقضی با ماده ۳۳۲ قانون مدنی و سایر مواد قانونی مرتبط ندارد چرا که در واقع، قانونگذار در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در مقام پیش‌بینی حالتی بوده است که در آن کلیه اسباب به طور مساوی، برابر و یکسان در وقوع یک حادثه‌ای دخالت داشته و تأثیرگذار بوده‌اند. به عبارتی دیگر نظر قانونگذار بر این سمت و سو بوده است که هرگاه حادثه یا جنایتی متحقق گردد و کلیه اسباب اعم از مباشر و مسبب به طور یکسان و برابر در این واقعه دخالت و نقش داشته باشد باید ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ را اعمال نمود و آثار آن را مترتب دانست (کریمی، ۱۳۹۲: ۳۰).

این در حالی است که همین گروه از صاحب نظریں در مقام ایراد و انتقاد از این اقدام عجولانه قانونگذار قائل به این نظر می‌باشند، از آنجایی که تعیین میزان دخالت و تأثیرگذاری هر یک از اسباب در بحث مسئولیت و ضمان به صورت محاسبه‌ای نبوده بلکه به صورت عرفی و نوعی میزان تقصیر و دخالت هر سبب مشخص و تعیین می‌گردد، در نتیجه تصور حالتی که کلیه اسباب یک واقعه به صورت یکسان و برابر نقش و تأثیرگذار باشد امکان‌پذیر نبوده و در نتیجه این پیش‌بینی و فرض قانونگذار در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ نمی‌تواند نمود خارجی پیدا کند و در واقع امکان تحقق و تولد خارجی و عرفی برای این حالت دور از باور می‌باشد. از طرفی دیگر حتی بنابه فرض بعید، اگر رویدادی صورت گیرد که در آن کلیه اسباب، نقش و تأثیری برابر و یکسان داشته باشد باز از آنجایی که قانونگذار تنها وجود شخص مباشر را کافی برای مسئول دانستن او می‌داند و رابطه علیت و عرفی مستقیمی بین وجود شخص مباشر و تحقق حادثه قائل می‌باشد و تنها در صورتیکه مسبب اقوی از مباشر باشد وی را معاف از مسئولیت می‌داند، باید قائل به این مهم بود که حتی در فرض برابری و یکسان بودن نقش کلیه اسباب باز باید در صورت وجود شخص مباشر، وی را مسئول حادثه و

۱. از جمله رجوع شود به مواد ۳۳۶ - ۳۴۸ - ۳۷۵ - ۳۵۲ - ۳۶۱ - ۳۶۲ - ۳۶۵ و ... قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و نیز مواد ۵۲۴ - ۵۲۹ - ۵۲۰ و ... قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.

رویداد قلمداد نمود. چرا که به موجب اصول کلی حقوقی موجود، وجود شخص مباشر خود اماره‌ای است بر مسئول و مقصر بودن وی در تحقق حادثه، که این اماره با اثبات برابری نقش کلیه اسباب از بین نرفته و منتفی نمی‌گردد (فلاح، ۱۳۹۲: ۲۳).

در نتیجه باید همچنان مباشر را مسئول حادثه و رویداد رخ دادی به حساب آورد. آنچه که قابل توجه می‌باشد آن است که این پیش‌بینی قانونگذار در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ برخلاف اصول کلی حقوقی موجود (ماده ۳۳۲ قانون مدنی) نبوده و هیچ تعارضی و تناقضی با این اصول و مواد موجود ندارد بلکه به نظر اقدامی عبث و بی‌فایده و تصمیمی دور از پشتوانه حقوقی از جانب مقام قانونگذار تلقی می‌گردد. لذا باید در مورد تحقق اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب در یک واقعه همچنان احکام موجود در ماده ۳۳۲ قانون مدنی و ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ را حاکم و جاری دانست.

۳) نگارندگان بر این باور هستند که، هرچند که ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ و فرضی که در این ماده پیش‌بینی شده است با ماده ۳۳۲ قانون مدنی و اصول کلی ناشی از آن تعارضی ندارد و هیچ‌گونه منافاتی با یکدیگر پیدا نمی‌کند، اما باید در مقام تفسیر این مواد قائل به تفصیل شد. به عبارت دقیق‌تر باید این‌گونه اذعان نمود که قلمرو صلاحیت پیش‌بینی ماده ۳۳۲ قانون مدنی به طور کلی و عام بوده و شامل تمامی اتفاقات و حوادث احتمالی می‌باشد و در واقع یک پیش‌بینی کلی و همه‌جانبه به حساب می‌آید. اما در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ قانونگذار خواسته است در جدیدترین اراده خود به طور تخصصی و دقیق‌تری نسبت به این حالت تصمیم‌گیری نماید و قائل به این نظر شده است که در صورت تحقق وقوع جنایتی که در آن مباشر و مسبب دخالت دارند باید بر طبق ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ تصمیم‌گیری نمود.

به عبارتی دیگر قلمرو مفاد ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ تنها و انحصاراً به بحث موضوع جنایت اختصاص دارد و اگر شخص مباشر و مسبب در تحقق یک جنایتی دخالت داشته باشد دیگر مفاد ماده ۳۳۲ قانون مدنی سالبه به انتفاع موضوع بوده و مفاد ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ ورود پیدا می‌کند و نسبت به این مهم اتخاذ تصمیم می‌نماید به معنای دقیق‌تر آنکه در کلیه موارد اجتماع عامل مباشر و مسبب باید تابع مفاد و احکام ماده ۳۳۲ قانون مدنی بود به استثنای موضوع تحقق جنایت که در این فرض اخیر تنها ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ است که صلاحیت دخالت و تعیین تکلیف نمودن را دارا می‌باشد و در حوزه اختصاصی این ماده می‌باشد. در نتیجه با این تفسیر علاوه بر اینکه

توانسته‌ایم تعارض ظاهری مواد موجود را ترمیم و تصحیح نماییم، اقدام جدید قانونگذار را نیز صیقل داده و تصمیمی حکیمانه و مدبرانه نمایش و معرفی شده است.

نتیجه‌گیری

قانونگذار با تصویب ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ نه تنها نتوانسته است حکام بیشتری نسبت به احکام و آثار وضعیت اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب ببخشد، بلکه ابهامات و تعارضات نسنجیده‌ای را نسبت به این وضعیت حساس حقوقی اعمال نموده است. در صورت اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب در یک حادثه، قانون مدنی در ماده ۳۳۲ خود و ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ مباشر را مسئول حادثه می‌داند مگر اینکه مسبب اقوی از مباشر باشد و این قاعده را به طور مطلق و بدون تعیین هیچ قید و یا شرطی حاکم می‌داند.

وجود تعارض فی مابین مواد قانونی موجود، در واقع به صورت ظاهری و پوشالی بوده و می‌توان با توجه به ظرفیت‌های قانونی موجود یک نظریه تفسیری دقیق ارائه نمود تا ابهامات و اجتمالات قانونی موجود برطرف شود. باید قائل به این نظر بود که قلمرو صلاحیت ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ انحصار و اختصاص به موضوع جنایت دارد. به عبارت دیگر، در کلیه حوادثی که رخ می‌دهد و شخص مباشر و مسبب در تحقق آن نقش داشته‌اند باید بر طبق مفاد و احکام ماده ۳۳۲ قانون مدنی اقدام نمود به استثنای بحث جنایت که فرض اخیر در صلاحیت محض ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ است. در واقع در کلیه حوادث جنایی تصمیم‌گیری در مورد اجتماع مسئولیت مباشر و مسبب در قلمرو ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ می‌باشد.

منابع

۱. امامی، سید حسن. (۱۳۴۴). حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات اسلامی: تهران.
۲. امامی، سید حسن. (۱۳۹۲). حقوق مدنی، جلد دوم، اسلامی: قم.
۳. ابن البراج (۱۴۰۶). المهذب، مؤسسه نشر اسلامی: بی‌جا.
۴. ابن العلامه (۱۳۸۹). ایضاح الفوائد، مؤسسه اسماعیلیان: بی‌جا.
۵. بازیگر، عبدالله. (۱۳۷۶). قانون مجازات اسلامی در آینه آراء دیوان عالی کشور ۲، قتل شبه عمد و خطای محض، چاپ اول، انتشارات ققنوس: تهران.

۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۹). مجموعه محشای قانون مدنی، چاپ اول، انتشارات گنج دانش: تهران.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۱). محشی قانون مدنی، گنج دانش: تهران.
۸. خوانساری، حاج سید احمد. (۱۳۸۸). جامع المدارک، دارالکتب العلمیه: قم.
۹. خمینی، روح‌الله. (بی تا). تحریر الوسیله، جلد دوم، چاپ دوم، مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم: تهران.
۱۰. رستمی، هادی. شعبانی کندسری، هادی. (۱۳۹۵). احراز رابطه سببیت در فرض مداخله عوامل گوناگون در جنایات و خسارات مالی (با تأکید بر قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲)، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره پانزدهم، تابستان، صفحات ۱۷۱ - ۱۴۳.
۱۱. صادقی، محمدهادی. (۱۳۹۲). اجتماع سبب و مباشر در قانون مجازات اسلامی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ششم، شماره دوم، تابستان، صفحات ۱۲۲ - ۹۸.
۱۲. _____ (۱۳۹۲). اجتماع اسباب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۶، صفحات ۵۶ - ۳۳.
۱۳. ساولانی، اسماعیل. (۱۳۹۵). حقوق جزای عمومی، مشاهیر دادآفرین: تهران.
۱۴. شهید اول. (۱۳۷۹). غایه المراد فی شرح نکت الارشاد، جلد چهارم، المکتب الاعلام الاسلامی: قم.
۱۵. طباطبایی، سید علی. (۱۳۸۶). ریاض، جلد دوم، دارالکتب الاسلامیه: تهران.
۱۶. طباطبایی، سید محمدکاظم. (۱۳۷۷). حاشیه بر مکاسب، جلد اول و دوم، دارالعلم: قم.
۱۷. عاملی، زین‌الدین معروف به شهید ثانی. (۱۴۱۹). مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، جلد پانزدهم، مؤسسه معارف اسلامی: قم.
۱۸. عاملی، زین‌الدین معروف به شهید ثانی. (۱۴۱۳). مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۱۲ و ۱۵، مؤسسه معارف اسلامی: قم.
۱۹. _____ (۱۳۸۴). الروضه البهیته فی شرح لمعه الدمشقیه، مرکز نشر دانشگاهی: تهران.
۲۰. عالم‌زاده، محمد. (۱۳۸۷). حکم اجتماع سبب و مباشر در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره سوم، صفحات ۱۵۴ - ۱۳۹.
۲۱. علامه حلی. (بی تا). تذکره الفقهاء، المکتبه المرتضویه: بی جا.

۲۲. فلاح، محمدرضا. (۱۳۹۲). الزامات خارج از قرارداد، سمت: تهران.
۲۳. فاضل لنکرانی، محمد. (بی تا). تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله - دیات، چاپ اول، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام: قم.
۲۴. کریمی، عباس. (۱۳۹۳). مسئولیت مدنی، میزان: تهران.
۲۵. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۶۲). حقوق مدنی - ضمان قهری - مسئولیت مدنی، چاپ اول، انتشارات دهخدا: تهران.
۲۶. _____ (۱۳۸۶). الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری) مسئولیت مدنی، جلد ۲، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران: تهران.
۲۷. _____ (۱۳۸۷). الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری) مسئولیت مدنی، جلد ۱، چاپ هفتم، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران: تهران.
۲۸. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۷). محشی قانون مجازات اسلامی، مجد: تهران.
۲۹. میر محمدصادقی، حسین. (۱۳۹۲). جرائم علیه اشخاص، چاپ چهارم، بنیاد حقوقی میزان: تهران.
۳۰. محقق حلی. (۱۴۱۳). مختصر النافع، چاپ اول، مؤسسه البعثة: قم.
۳۱. محقق حلی. (۱۴۰۸). شرایع الاسلام، ج ۲، چاپ دوم، اسماعیلیان: قم.
۳۲. _____ (۱۹۸۴). شرایع الاسلام فی المسائل الحلال و الحرام، دارالاضواء: بیروت.
۳۳. محمصانی، صبحی. (۱۳۵۸). النظریات العامه للموجبات و العقود، جلد اول، ترجمه جمال‌الدین جمالی، چاپ اول، نشر آبان: تهران.
۳۴. میر فتاح. (۱۴۱۷). العناوین، دفتر انتشارات اسلامی: قم.
۳۵. نجفی، شیخ محمدحسن. (۱۳۷۴). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد سی و هفت و چهل و دو، چاپ چهارم، انتشارات کتابچی: تهران.
۳۶. _____ (۱۳۸۰). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد بیست و هشت، دارالکتب الاسلامیه: تهران.
۳۷. _____ (۱۴۰۴). جواهر الکلام، چاپ هفتم، دار احیاء التراث العربی: بیروت.
۳۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود. با همکاری جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳). موسوعه الفقه الاسلامی، جلد ۹، چاپ اول، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
39. Black, Henry Campbell. (1987). Blacs Dictionary of law, West publishing compani, U.S.A.